

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۵، شماره ۱
بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۲۶ - ۷

بررسی انسان‌شناختی فضای میانی در مسکن سنتی و معاصر شهر شیراز

مژگان ساسانی
علیرضا عینی فر
حسین ذبیحی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۶

چکیده

مسکن از جمله ابتدایی‌ترین و بااهمیت‌ترین نیازهای انسان است که می‌بایست مأمونی برای آرامش و آسایش ساکنین، فراتر از صرفاً یک سرپناه فراهم آورد. امروزه در ایران نگرش کمی نسبت به این امر مهم، سبب ایجاد بناهایی بدون طرح و برنامه‌ریزی و فاقد اصول لازم طراحی سکونتگاه‌هایی با کیفیت مطلوب و پاسخگو به ابعاد معنوی وجود انسان شده است. از جمله مواردی که در ساخت خانه‌های معاصر، مورد بی‌توجهی واقع شده، نقش و جایگاه فضای میانی در نواحی مسکونی است. از آنجا که خانه تصویرگر اصلی عرصه خصوصی انسان‌ها و در تقابل با آن، محیط عمومی فضایی متعلق به همگان است، ضرورت وجود فضای میانی به عنوان مرز میان محیط خصوصی و عمومی و در نقش پیونددهنده محیط درون و بیرون خانه آشکار می‌شود. در این پژوهش در ابتدا به تحقیق پیرامون فضای میانی پرداخته و در ادامه با مقایسه نقش آن در مسکن سنتی و معاصر ایران به پیامدهای حذف این فضا بر روی زندگی انسان‌ها اشاره شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در معماری خانه‌های سنتی ایران، به واسطه تعریف صحیح فضای میانی پیوستگی فضایی میان بیرون و درون شکل گرفته است. در خانه‌های معاصر این فضا تعریف مشخصی نداشته و اهمیت فضایی، معنایی و کارکردی آن نادیده گرفته شده است. این رویداد منجر به از بین رفتن عوامل انسانی - محیطی همچون امنیت، حس قلمرو، حس تعلق و رضایت ساکنین و همچنین کاهش تعامل اجتماعی میان همسایگان و ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی در اکثر محیط‌های مسکونی معاصر شده است.

کلید واژگان: انسان، فضای میانی، مسکن، نیمه خصوصی، نیمه عمومی.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری مژگان ساسانی با راهنمایی دکتر علیرضا عینی فر و مشاوره دکتر حسین ذبیحی در دانشگاه علوم تحقیقات واحد تهران است.

mozghan_sasani@yahoo.com
aeinifar@ut.ac.ir
h.zabihi@srbiau.ac.ir

**دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران
استاد دانشکده معماری دانشگاه تهران
دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران

مقدمه

از آنجا که مسکن نمی‌تواند به عنوان محیطی به طور کامل مجزا از دنیای خارج محسوب شود، چگونگی نحوه ارتباط فضاهای مسکونی به یکدیگر و به خیابان‌ها و فضاهای باز اطراف آنها، از ضروریات طراحی یک خانه است (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۹۷). به عبارتی، برقراری ارتباط میان فضای درون و بیرون، از جمله عوامل ضروری در طراحی سکونتگاه‌های بشری است که در قالب سلسله‌مراتب منطقی میان فضای درون و بیرون شکل می‌گیرد. این ارتباط به واسطه تعریف "فضای میانی" ایجاد می‌شود. این فضا به مثابه فضای انتقال میان خانه و خیابان است که در محدوده‌های مسکونی، شامل قلمرو نیمه‌خصوصی - نیمه عمومی و در نقش اتصال‌دهنده عرصه‌های عمومی و خصوصی است. کریستین نوربرگ شولتز^۱ معتقد است که تلفیق فضای داخلی و خارجی از عوامل کیفی انتقال ارزش‌ها و یک دست کردن معانی است (نیلاندر، ۱۳۹۰: ۴۱).

در این مقاله هدف، بررسی اهمیت فضای میانی در معماری سکونتگاه‌های ایران است. حضور آشکار این فضا در معماری فضاهای مسکونی سنتی در ایران در قالب سلسله‌مراتب منطقی از فضای عمومی محله تا فضای خصوصی خانه قابل مشاهده است اما در معماری مسکونی معاصر، اغلب فضای درون خانه منفک از فضای بیرون و بدون ارتباط با کوچه، گذر و خیابان شکل می‌گیرد. عرصه‌های بیرونی و درونی مسکن، به صورت جداگانه و بدون وجود سلسله‌مراتب فضایی از واحد مسکونی تا محیط بیرونی ساخته می‌شوند. این مسئله سبب شده تا عرصه میانی اتصال‌دهنده درون و بیرون حذف شود. از آنجا که خانه به مثابه یک از مؤلفه‌های اساسی زندگی اجتماعی نقشی اساسی در فرهنگ انسانی دارد، حذف فضای میانی پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و روانی بسیاری در پی خواهد داشت.

چارچوب نظری و پیشینه موضوع

مشخص بودن مرز یا قلمرو فضایی که انسان در آن زندگی می‌کند، خصلت فطری او است. قلمرو فضایی معمولاً به دو صورت خصوصی و عمومی قابل تشخیص است. فضای خصوصی مرز یا قلمرو خصوصی یک یا چند نفر را تعریف می‌کند و فضای عمومی متعلق به همگان است، اما مسئله قابل بحث حد فاصل این دو فضا است. (توسلی، ۱۳۷۶: ۶۸). از فضای واقع در حد فاصل دو عرصه بیرون و درون تعبیر متفاوتی ارائه شده است. یکی از تعبیر مطرح‌شده در این باره فضای میانی^۲ است. این اصطلاح توسط محققانی چون هابراکن^۳ (۱۹۹۸) و نورددین^۴ (۲۰۰۲) به کار گرفته شده است. نورددین بیان می‌کند که این فضا

^۱ Norberg Schulz, Ch

^۲ In-Between Space

^۳ Habrakaen

^۴ Nooraddin

یک عامل مهم در طراحی فضاهای شهری است که زندگی در خیابان^۱ و تعامل اجتماعی میان افراد را تشویق و تقویت می‌کند (نورددین، ۲۰۰۲).

جدول ۱: معانی فضای میانی

پژوهشگر	سال	تعابیر عرصه میانی	پژوهشگر	سال	تعابیر عرصه میانی
مدنی پور	۱۳۸۷	فضاهای مرزی	استیونس	۲۰۰۷	مابین
حائری	۱۳۸۸	فضاهای گذار (انتقالی)	آلتمن	۱۳۸۲	قلمرو ثانویه
نورددین	۱۹۹۷	فضاهای بینابین	گروسز	۲۰۰۱	فضای واسطه
بلیان	۱۳۹۰		هیجر و ریچندرپ	۲۰۰۱	فضای آستانه‌ای / قلمروهای جدید
حائری	۱۳۸۸		اسکیولند و گارلینگ	۱۹۹۷	فضای تعامل
میرشاهزاده	۱۳۹۰	فضاهای مرزی - پیوندی	هرتزرگر	۱۹۹۱	فضاهای قابل سکونت میان ساختمان‌ها
قاسمی	۱۳۸۳	عرصه‌های حد واسط	نوروزی	۱۳۹۱	مفصل
بنتلی	۱۹۸۵	آستانه / مرز	جباری	۱۳۸۷	
بحرینی	۱۳۷۸		الکساندر	۱۳۷۶	
هیلیر و هانسن	۱۹۸۴		بحرینی	۱۳۷۸	
گل	۱۹۹۶	فضای میانی، نیمه خصوصی، نیمه عمومی، واسطه	مدنی پور	۱۳۸۷	نیمه خصوصی - نیمه عمومی
			لنگ	۱۳۹۰	
			الکساندر	۱۹۶۵	
			توسلی	۱۳۷۶	

منبع: نگارندگان

یان گل معتقد است که فضای میانی به عنوان عنصری پیونددهنده و مرتبط‌کننده عمل و حرکت بین فضاهای عمومی و خصوصی بین درون و بیرون را برای ساکنین و فعالیت‌ها تسهیل می‌کند (گل، ۱۳۸۷: ۱۱۰). این فضا مرزهای مخصوص به خود را ندارد و به وسیله فضاهای واقع در طرفین خود مشخص و تعریف می‌شود و زمانی که گشوده می‌شود امکان ایجاد تبادل اجتماعی، فرهنگی و طبیعی را فراهم می‌سازد به گونه‌ای که در این مکان

^۱ street life

توانایی‌های پنهان متفاوتی قدرت تجلی می‌یابد (گروس: ۲۰۰۱: ۹۳). الکساندر عرصه‌های میانی را به عنوان عوامل کالبدی کامل و مستقل و حیاتی بسیار مهمی در برنامه‌ریزی می‌داند که در نقش مفصل، انتقال از عرصه‌ای به عرصه‌ای دیگری را ممکن می‌سازد. (الکساندر، ۱۳۷۶: ۳۲۱) از دیدگاه تیلور و برور اهمیت فضای میانی از دو جنبه است: آنچه در این فضاها روی می‌دهد کیفیت زندگی در درون خانه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و همچنین این فضاها گذاری از فضاهای خصوصی در برابر فضاهای همگانی و عمومی ایجاد می‌کنند (تیلور و برور، ۱۹۸۵).

پرسش‌های پژوهش

- ۱) سیر تاریخی ارتباط فضای میانی در معماری مسکن ایرانی از دوره سنت تا دوره معاصر چگونه است؟
- ۲) پیامدهای حذف فضای میانی در مسکن معاصر چیست؟
- ۳) عوامل انسانی - محیطی متأثر از فضای میانی در مسکن کدامند؟

روش پژوهش

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و قلمرو مکانی تحقیق شیراز است. نوع تحقیق کاربردی است چراکه می‌تواند در حوزه طراحی شهری و معماری در دوره معاصر به کار گرفته شود. شیوه گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات و بررسی‌های میدانی است. در بخش کتابخانه‌ای مبانی و مفاهیم نظری در رابطه با فضای میانی و مفاهیم انسانی - محیطی مرتبط با آن مورد مطالعه قرار گرفته است و برخی اطلاعات مربوط به خانه‌های سنتی و معاصر، از طریق اسنادی جمع‌آوری شده‌اند. همچنین با توجه به موضوع تحقیق، برخی از داده‌های پژوهش از طریق مشاهدات میدانی در این باره توسط محقق صورت گرفته است. نتایج تحقیق از طریق استدلال استقرایی تدوین شده است و در نهایت به صورت تطبیقی، مورد استدلال قیاسی قرار گرفته است. چگونگی تنظیم پرسش و تدوین فرضیه و فرآیند بررسی‌ها به صورت کیفی صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

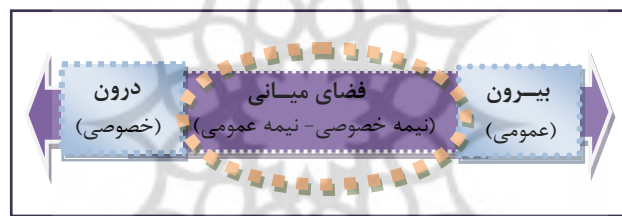
در این پژوهش مطالعات انجام‌شده در قالب سه بخش کلی مطرح می‌شود: ۱) فضای میانی در مسکن شامل دو بخش مسکن سنتی و مسکن معاصر، ۲) مقایسه فضای میانی در دو گونه معاصر و سنتی و ۳) بررسی مفاهیم انسانی - محیطی متأثر از فضای میانی.

فضای میانی در مسکن

مفهوم فضای میانی، در ارتباط با مفاهیم درون و بیرون معنا می‌یابد. قدمت تقسیم‌بندی درون و بیرون در مسکن به زمانی بازمی‌گردد که مردم برای محافظت در برابر تغییرات آب و هوایی، شرایط فیزیکی و سایر نیروهای مزاحم خارجی سرپناه را ایجاد کردند. این سرپناه اولین تلاش برای جداسازی درون و بیرون به واسطه معماری بود. (نوردین، ۲۰۰۲: ۴۴).

شکل اولیه مسکن یا همان سرپناه اولین مرحله در به وجود آوردن تمایز میان درون و بیرون است که الگوهای پیشرفته آن به شکل مسکن‌ها و مجتمع‌های مسکونی امروزی نمود یافته است. پس می‌توان چنین بیان کرد که مقصود از فضای درون، فضای داخل مسکن و منظور از بیرون، فضای واقع شده در خارج از مسکن است. به تعبیری ”درب ورودی خانه را می‌توان دروازه‌ای میان محیط بسته داخلی و جهان باز بیرون دانست“ (مدنی‌پور، ۱۳۸۷). در این صورت فضای میانی عرصه‌ای است که میان جهان بیرون و جهان درون خانه قرار دارد.

تصویر ۱: فضای میانی در مسکن



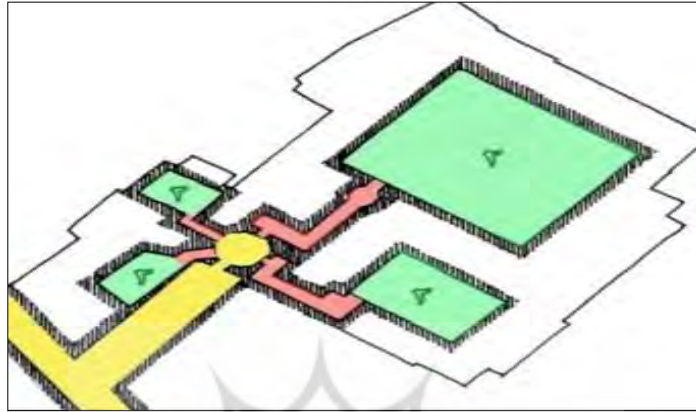
در این پژوهش، ابتدا فضای میانی در مسکن سنتی و معاصر معرفی و سپس به تحلیل و مقایسه نقش و تأثیر آن بر زندگی ساکنین پرداخته شده است. در این پژوهش آن دسته از خانه‌هایی که تا سال ۱۳۰۰ شمسی ساخته شده‌اند خانه‌های سنتی و خانه‌هایی که پس از سال ۱۳۴۰ بنا شده‌اند، خانه‌های معاصر نامیده شده است که شامل خانه‌های مستقل ویلایی، آپارتمانی و مجتمع‌های مسکونی است.

فضای میانی در مسکن سنتی

معماری و شهرسازی سنتی به عنوان یکی از نمادهای بارز مصنوعات بشری و همچنین به دلیل خصوصیات خاص سنت در تجمیع‌کننده اندوخته‌های اعصار متمدنی دارای ابعاد مختلفی از سلسله‌مراتب است. اصل رده‌بندی یا سلسله‌مراتب فضایی در معماری را در سه سطح آشکارا می‌توان دید که اولین سطح رده‌بندی فضایی میان درون و بیرون است که بر مرزبندی حریم‌های فضایی تأکید دارد (طیبیان، ۱۳۹۰: ۷۰). ارتباط درون و بیرون در اتصال مقیاس کل به جزء نیز قابل مشاهده است، به نحوی که اوج هنر معمار ایرانی در ساخت و سازمان‌دهی فضایی مجموعه‌های معماری و شهری، نحوه اتصال مقیاس

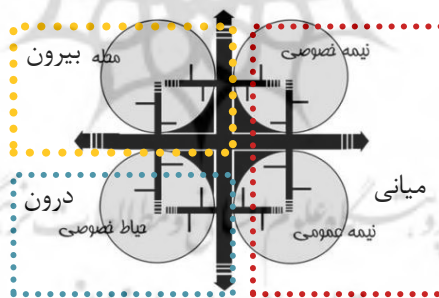
کلان‌شهری به مقیاس میانی محله‌ای و در نهایت پیوند دادن آن با مقیاس جزء یعنی خانه است. این کار از طریق شناسایی و سازمان‌دهی متناسب عناصر بینابینی در طیف وسیعی از مقیاس‌ها امکان‌پذیر می‌شود.

تصویر ۲: قلمرو فضایی در مسکن سنتی



منبع: توسلی، ۱۳۷۶

تصویر ۳: سلسله‌مراتب حریمیت

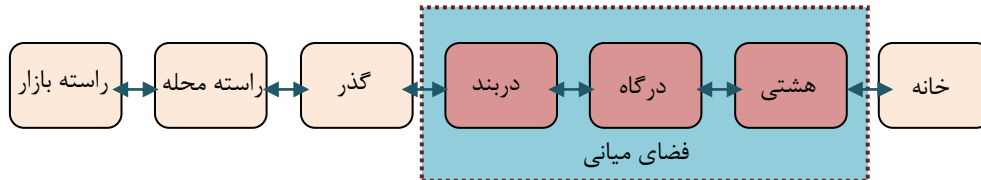


منبع: طبیبیان، ۱۳۹۰: ۶۹

توسلی به وجود سه نوع فضا در شهرهای قدیمی ایران اشاره می‌کند که شامل فضای درون، بیرون و میانی است. وی این سه گونه فضایی را به ترتیب شامل فضاهای عمومی به صورت گذر و میدان، فضای نیمه‌خصوصی - نیمه عمومی به صورت یک بن‌بست اختصاصی با یک هشتی و فضای خصوصی حیاط و عناصر دربرگیرنده آن تعریف می‌کند (توسلی، ۱۳۶۹: ۶۷). در همین رابطه، سلسله‌مراتب فضایی در گذر از محله به خانه به صورت مرکز محله، راسته، گذر، دربند، درگاه ورودی و هشتی نمود می‌یابد. فضای میانی در این سلسله‌مراتب شامل درگاه ورودی، هشتی و دربند است. این فضا مانع از ورود مستقیم به

فضاهای داخلی خانه می‌شود و حائلی بین خانه و خیابان برقرار می‌کند. به عبارتی در خانه‌های سنتی مضامین و معانی مرتبط با نزدیک شدن به خانه و تغییر قلمرو از درون به بیرون به واسطه تعریف فضای میانی منعکس شده است (حائری، ۱۳۸۷: ۷۸).

تصویر ۴: فضای میانی در محلات سنتی



منبع: نگارنده

در این پژوهش سلسله‌مراتب فضایی چندین نمونه از خانه‌های سنتی شهر شیراز مورد مطالعه قرار گرفته است (نمودار ۶). بررسی‌ها نشان می‌دهد که در تمامی این خانه‌ها ارتباط از محله به خانه به واسطه فضاهای میانی صورت گرفته و در قالب دربند، هشتی، دالان و درگاه ورودی به صور مختلف نمود یافته است. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد فضای میانی در سایر شهرهای ایران با اقلیم مشابه شهر شیراز همچون شهرهای کویری ایران نظیر یزد، اصفهان، کاشان و ... نیز مشاهده می‌شود (نمودار ۵). دسترسی از درون به بیرون در هریک از خانه‌های سنتی در شهرهای مذکور و شهر شیراز در جزئیات بسته به خانه و تعداد حیاطها و ورودی‌ها متفاوت است اما اصل ارتباط فضای درون و بیرون به واسطه فضای میانی در همه این خانه‌ها به خوبی قابل مشاهده است.

تصویر ۵: فضای میانی در خانه‌های سنتی شهرهای کاشان، یزد و اصفهان



مأخذ: نگارنده

فضا درونی ■ فضا میانی ■

تصویر ۶: فضای میانی در خانه‌های سنتی شهر شیراز



مأخذ: نگارنده فضای درون فضای میانی

فضای میانی در مسکن معاصر

به صورت کلی مسکن معاصر در غالب دو گونه کلی آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی و خانه‌های شهری مستقل قابل بررسی است. در ادامه فضای میانی هر یک از گونه‌های مطرح‌شده به تفکیک مورد مطالعه قرار گرفته است.

مجتمع‌های مسکونی و آپارتمان‌ها

آمارهای ارائه‌شده از سوی مرکز آمار ایران و شهرداری شیراز نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر بیشترین میزان ساخت‌وساز انجام‌شده در این کلان‌شهر، مربوط به ساختمان‌سازی بلندمرتبه در قالب مجتمع‌های مسکونی و آپارتمانی است.

فضای میانی در مجتمع‌های مسکونی فضاهای میان‌خیابان تا درب واحد مسکونی را در برمی‌گیرد شامل پیاده‌رو جلو ورودی مجتمع، ورودی مجتمع، سواره‌رو، پیاده‌رو داخل محوطه مجتمع، پارکینگ، فضای باز، فضای نیمه‌باز محوطه، لابی. مطالعات انجام‌گرفته بر روی نمونه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که در بعضی از مجتمع‌های مذکور این فضاها به صورت کامل، متوالی و پیوسته دیده می‌شوند و در بعضی دیگر تعدادی از فضاهای مذکور وجود ندارند و به بیانی حذف گشته‌اند. بسته به طراحی صورت‌گرفته برای هر یک از مجتمع‌های مسکونی مورد نظر این فضاها معلق هستند و کیفیت فضایی هر یک از این اجزا متفاوت است. از این رو می‌توان چنین گفت که سلسله‌مراتب دسترسی از خیابان تا واحد مسکونی در مجتمع‌های مختلف یکسان نیست. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در مجتمع‌های مسکونی محدودی کیفیت فضای میانی مناسب و تعریف‌شده است اما متأسفانه در اکثر موارد این فضا دارای نواقص و کاستی‌هایی است و کیفیت فضایی مناسبی ندارد. در همین رابطه حائری (۱۳۸۷) بیان می‌کند که فضاهای مشترک میان چند همسایه از ورود به مجتمع مسکونی تا در واحد مسکونی زنجیره‌ای متوالی از فضاهای تعریف‌شده با امکان مکث و عبور نیست. اغلب فضاهای عبوری هستند که اجتماع دو و سه نفره را برنمی‌تابند و کمتر از قدرت هدایت‌کنندگی برخوردارند. در خانه‌های کنونی حریم در ورودی هر خانه شخصی در مجموعه‌های آپارتمانی از میان رفته و با فضای عبور و فضای ورودی واحد مسکونی همسایه درهم شده است و فضایی برای انتظار بر در و آماده شدن برای ورود به خانه را فراهم نمی‌کند. از داخل خانه نیز حریمی میان درون خانه و درب ورودی وجود ندارد و با باز شدن در تمام فضاهای داخل در معرض دید قرار می‌گیرند (همان: ۱۸۳).

در ادامه تعدادی از مجتمع‌های مسکونی و آپارتمانی شهر شیراز انتخاب و از طریق پلان و سایت پلان به بررسی فضای میانی در آنها پرداخته شده است. مجتمع‌های مذکور در غالب چهار گونه مختلف دسته‌بندی شده‌اند.

۱) گونه شماره یک: مجتمع‌های مسکونی با مقیاس بزرگ

۲) گونه شماره دو: مجتمع مسکونی با مقیاس متوسط

۳) گونه شماره سه: مجتمع مسکونی با مقیاس کوچک

گونه شماره یک مجتمع‌های مسکونی بزرگ هستند که در نمودار ۷ آورده شده است. در برخی از این مجتمع‌ها فضای میانی شامل فضای باز و نیمه‌باز، همچنین عرصه‌های نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی تعریف شده‌اند لذا کیفیت فضای میانی در آنها مناسب است؛ اما در سایر مجتمع‌ها که متأسفانه اکثر مجتمع‌های مسکونی شهر شیراز را تشکیل می‌دهند، عرصه‌های میانی صرفاً شامل فضاهای تعریف نشده هستند. در این دسته از مجتمع‌ها، عرصه سواره و پیاده تداخل دارد و به دلیل تعریف نشدن عرصه‌های مختلف تداخل عملکردها مشاهده می‌شود. این رویداد به دلیل نبود سلسله‌مراتب فضایی و فضای میانی ضعیف موجود در آنها است.

تصویر ۷: گونه شماره یک: مجتمع‌های مسکونی بزرگ



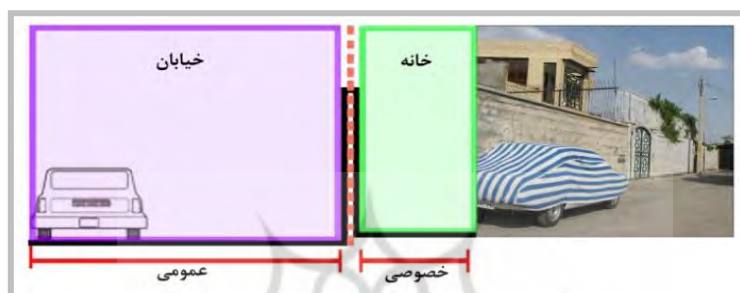
مأخذ: نگارنده

خانه‌های مستقل

در خانه‌های معاصر قلمروهای گوناگون در شهر و از شهر تا خانه در یکدیگر تداخل کرده‌اند. در این تداخل فضاهای بینابینی و مقیاسی از بین رفته است. امکان اتصال یک بزرگراه به یک خانه قابل تصور است. به موازات نادیده گرفته شدن فضاهای بینابینی و حریم‌ها مصداق قلمرو در سازمان فضایی شهر و خانه ایجاد نمی‌شود (حائری، ۱۳۸۷: ۱۸۶). به عبارتی یکی از مسائل عمده در محیط‌های مسکونی امروز ارتباط ناگهانی ساکنین از فضای خصوصی خود با فضای کاملاً عمومی است. ساکنین یک خیابان متداول ۱۲ متری بعد از اینکه از خانه خود خارج می‌شوند یک‌باره در موج آمدوشد فضای کاملاً عمومی قرار می‌گیرند (توسلی، ۱۳۷۶: ۶۰). در خانه‌های معاصر از خیابان یا کوچه به حیاط که می‌آییم درون را نمی‌یابیم. فضای

ورودی به یک در تقلیل یافته است و هیچ‌گونه تشخیص و حریم فضایی مستقل ندارد و به علت عدم وجود حریم‌های فضایی میان بیرون خانه و درون آن تمام فضاهای درون خانه به محض ورود در معرض دید و اشراف قرار می‌گیرند (حائری، ۱۳۸۷: ۱۶۵). در بافت‌های کنونی ارتباط یک واحد مسکونی با فضای عمومی و معابر مغشوش است یا خانه مستقیماً به معبر باز می‌شود که در این صورت حریم خصوصی آن تهدید می‌شود و یا به آن پشت می‌کند که در این حالت زندگی از فضای عمومی رخت می‌بندد (قاسمی، ۱۳۸۳).

تصویر ۸: ارتباط عرصه‌های خانه (درون) و خیابان (بیرون) در مسکن معاصر



منبع: نگارنده

مقایسه کالبدی فضای میانی در مسکن سنتی و معاصر

مسکن سنتی در ایران به صورت فضاهای بسته و نیمه‌باز در اطراف یک حیاط مرکزی شکل می‌گیرد. از آنجا که نگاه فضاهای این خانه به حیاط است، ارتباط با بیرون به تدریج و طی سلسله‌مراتب از درون به بیرون اتفاق می‌افتد. به بیانی حریم بصری، رفتاری و دسترسی میان کوچه و خانه وجود دارد که با فرهنگ درون‌گرای افراد ساکن هم‌خوان است؛ اما در مسکن معاصر ارتباط درون با بیرون به یک‌باره صورت می‌گیرد که این امر متعارض با خلق‌و‌خو و شیوه سکونت گذشته ایرانیان است.

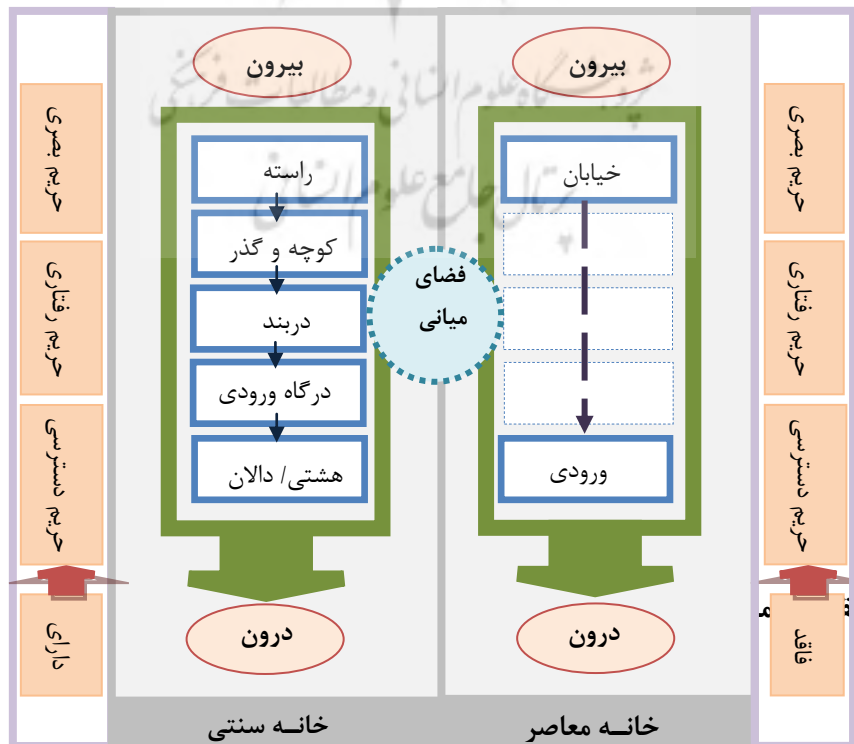
”در ایران نیز تا اواخر قرن نوزدهم خانه‌های مسکونی برای ایجاد ارتباط (میان درون و بیرون) فقط از حیاط مرکزی (فضای خصوصی) بهره می‌گرفتند. از اواخر قرن نوزدهم میلادی، رویکرد معماران ایرانی نسبت به خانه مسکونی تغییر کرد و با الگوبرداری از اروپا در حاشیه خیابان‌های جدیدالاحداث ساختمان‌های مسکونی برون‌گرا شروع به شکل‌گیری نمود. این گرایش با فرهنگ درون‌گرای ساکنین در تعارض بود و ساکنین زندگی خصوصی خود را در پشت پرده‌های ضخیم یا کرکره مخفی می‌نمودند. سال‌های چهل و پنجاه شفاف کردن نمای جنوبی خانه‌ها به اوج رسید و پنجره‌های شیشه‌ای سراسر نمای رو به حیاط را پوشاند ولی ساکنین خانه بی‌ارتباط با فضای بیرونی پشت پرده‌های ضخیم و یا کرکره‌های فلزی به زندگی خصوصی خود ادامه دادند“ (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۹).

در پی تغییرات انجام‌شده در خانه‌های مسکونی معاصر و از میان رفتن ارتباط تدریجی و سلسله‌مراتبی میان درون و بیرون، ساکنین تلاش کردند تا با استفاده از عناصر جداکننده حریم‌های از میان‌رفته را به سکونتگاه‌های خود بازگردانند اما این سطوح جداکننده نتوانستند مشکل ایجادشده را حل کنند چرا که در خانه‌های امروزی فضاهای ورودی به یک در یا سطح تقلیل یافته است و تعاریف گذشته خود را از دست داده است. در صورتی که در معماری سنتی چندین فضای دیگر بر اساس سلسله‌مراتب معینی فضای ورودی را شکل می‌دهند.

گذار از فضاهای خصوصی به فضاهای عمومی که در گذشته به آرامی و به واسطه فضاهایی چون هشتی، درگاه ورودی، دالان، دربند و ... صورت می‌گرفت به یک‌باره از میان رفته و عرصه‌های جداکننده درون و بیرون به یک سطح همچون درودیوار تقلیل یافته و گسستگی میان فضای درون و بیرون شکل گرفته است. به بیانی عرصه‌های میانی در خانه‌های سنتی به مثابه مفصل و به عنوان عناصر پیونددهنده دو عرصه داخل و خارج است. در مسکن معاصر این نقش به سبب فقدان فضای میانی وجود ندارد و ارتباط میان درون و بیرون در محیط‌های مسکونی معاصر مخدوش شده است.

تصویر ۹ نشان می‌دهد که سلسله‌مراتب دسترسی از بیرون به درون در خانه سنتی و معاصر از دیدگاه کالبدی بسیار متفاوت است. در مسکن سنتی با کاربری مفصل‌بندی و ایجاد شبکه‌ای به واسطه فضای میانی اتصال میان عرصه‌های متوالی برقرار گشته است. در صورتی که در مسکن معاصر از بعد فیزیکی حلقه‌های اتصال میان دو عرصه داخل و خارج تعریف‌شده نیست.

تصویر ۹: مقایسه فضای میانی در مسکن سنتی و معاصر



حس قلمرو

یکی از اصلی‌ترین وظایف فضای میانی، کنترل قلمرو و مالکیت است (بلیلان، ۱۳۹۰: ۶۳). از دیدگاه چرمایف و الکساندر، نگرش سلسله‌مراتبی نسبت به فضا و تعریف فضاهای خصوصی، فضاهای دربرگیرنده آستانه^۱ نیمه‌خصوصی و فضای عمومی، سبب ایجاد حس قلمرو‌گرایی و تشویق ساکنین به آن خواهد بود (الکساندر، ۱۹۶۵: ۱۱۹) و بالعکس حذف فضای میانی سبب تداخل عرصه‌ها و درهم شدن قلمروهای فضایی می‌شود. این رویداد در خانه‌های معاصر به وضوح دیده می‌شود چراکه خانه معاصر بدون مفصل‌بندی و حریم است. حریمی میان درون خانه و درب ورودی آن وجود ندارد، به عبارتی دسترسی از بیرون به درون بدون واسطه است و سلسله‌مراتب فضایی تعریف‌شده‌ای وجود ندارد. حذف فضای میانی در مسکن معاصر سبب شده است تا حریم میان درون و بیرون خانه از بین رفته و مراحل کالبدی و روانی که می‌بایست در طی حرکت از عمومی به خصوصی طی شود نادیده گرفته شود.

امنیت

از دیگر وظایف فضای میانی تأمین امنیت فضاهای مسکونی است. نیومن^۲ در بررسی رابطه میان فضای کالبدی و محیط اجتماعی اشاره می‌کند که فضاهای تعریف‌نشده و غیر قابل دفاع احساس آزار رسانی را به وجود می‌آورند و مشوق بروز جرائم اجتماعی‌اند (۱۹۷۲). زمانی که محدوده‌ها و قلمروها مشخص و مجزا هستند مردم چشمان خود را به مشکلات عکس‌العمل نشان می‌دهند. با مشخص نمودن قلمروها و حریم‌ها توسط نمادها و نشانه‌ها، بسط توافقات اجتماعی درباره حقوق فضایی با توجه به آداب‌ورسوم، تأمین سلسله‌مراتب دسترسی و خصوصی بودن، بالا بردن قابلیت رؤیت فضا و توجه به شکل فضا، می‌توان امنیت مکان‌ها را تأمین و آنها را زنده و فعال ساخت (بحرینی، ۱۳۷۸: ۲۳).

کوپر^۳ (۱۹۸۶) با دیدگاهی نزدیک به دیدگاه نیومن، در پژوهشی به بررسی ارزیابی پس از سکونت در خانه‌های جمعی چند خانواری می‌پردازد. او اشاره می‌کند که وجود مرزهای روشن احساس مسئولیت ساکنین را در قبال محیط مسکونی خود افزایش می‌دهد و این احساس مسئولیت منجر به افزایش نگهداری و مراقبت و در نتیجه کاهش هزینه‌ها می‌شود. در همین ارتباط با دقت در بافت سنتی شهرهای ایران می‌توان دریافت که تعریف عرصه‌های میانی نیمه‌خصوصی و نیمه عمومی، باعث شناخت بیشتر همسایگان از یکدیگر، تشخیص افراد غریبه و همچنین مشارکت در نگهداری از محیط گشته است، در صورتی که از بین رفتن این سلسله‌مراتب فضایی و در پی آن حذف فضای میانی در محلات امروزی سبب از بین رفتن امنیت محیط و نیاز به وجود افرادی واسطه‌گیر از ساکنین جهت دفاع از محیط‌های مسکونی در برابر جرائم اجتماعی و ناامنی شده است.

^۱ Threshold

^۲ Oscar Newman

^۳ Cooper Marcus

محرمیت

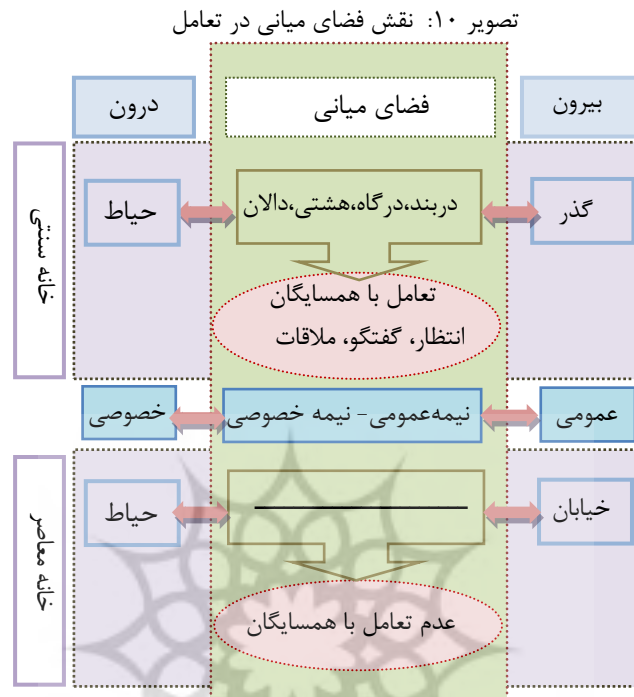
از پیامدهای دیگر بی‌توجهی به فضای میانی، از بین رفتن محرمیت فضایی و مشرف بودن بر سایر قلمروها در خانه‌های امروزی است، به بیانی نیاز به خلوت و اجتماع به درستی پاسخ داده نمی‌شود، در صورتی که در خانه تاریخی به واسطه تعریف عرصه‌های نیمه‌خصوصی و نیمه عمومی (میانی) مفاهیم انسانی چون خلوت و محرمیت در فضاهای زندگی در کنار اجتماع‌پذیری به تفکیک محقق گشته است.

تعامل اجتماعی

نقش فضای میانی در ایجاد مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی میان ساکنین نیز به خوبی آشکار است. فضای نیمه‌خصوصی - نیمه عمومی نشان می‌دهد در حالی که ساکنین می‌توانند در فضای کاملاً خصوصی خود بدون مداخله عمل کنند، در فضای نیمه‌خصوصی نیز می‌توانند گرد هم آیند و با مشورت و تماس با یکدیگر تصمیم بگیرند. این امر در قوت بخشیدن به زندگی اجتماعی صاحبان فضای نیمه‌خصوصی - نیمه عمومی مؤثر است. به عبارتی فضای میانی علاوه بر نقش اصلی خود به عنوان ارتباط‌دهنده عرصه‌های درون و بیرون، قادر است روابط همسایگی را رشد دهد و موقعیت مناسبی برای ایجاد روابط اجتماعی و اجتماعی شدن کودکان فراهم آورد. مدنی پور بیان می‌کند که این فضا در عین حال که قلمرو عمومی و خصوصی را جدا می‌کند و از آنها را در مقابل یکدیگر محافظت می‌کند، به مانند یک مکان برای رویارویی و ارتباط بین این دو نیز عمل می‌کند (۲۰۰۳: ۶۷-۵۹). فضاهای میانی در معماری خانه‌های سنتی، مکانی برای اجتماع و تعامل میان همسایگان بوده است، کوچه و فضای پیرامون خانه حیاط دوم محسوب می‌گردید و کودکان اجازه بازی و سالمندان حضور و تعامل اجتماعی در آن داشتند. این حضور باعث تعلق خاطر و صمیمیت بیشتر و این صمیمیت باعث مشارکت بیشتر در حفظ و نگهداری فضای جمعی می‌شد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۶۶).

در صورتی که در شرایط کنونی در بیشتر بافت‌های ما حتی نزدیک‌ترین همسایه‌ها غریبه‌اند، عرصه‌های نیمه‌خصوصی و نیمه عمومی ناپدید شده‌اند، زیرا زندگی یا در هسته خانواده درون عرصه خصوصی می‌گذرد یا با شتاب در میان عرصه عمومی جریان دارد. عرصه‌های حد واسطه محلی بود برای تعامل و مراوده دوستان و آشنایان و اکنون که این دوستی‌ها و آشنایی‌ها رو به ضعف گذاشته و آنها نیز دیگر دلیلی برای ظهور نمی‌یابند. به عبارتی در بافت‌های امروزی ساکنین با یکدیگر غریبه‌اند و ارتباطات میان افراد در یک محیط مسکونی تعریف نشده و نامشخص است. حذف فضاهای میانی در مسکن امروز سبب شده است شناخت افراد از یکدیگر در محیط‌های مسکونی کاهش یابد و تمایل به نداشتن رابطه و تعامل میان همسایگان به دلیل حفظ امنیت روانی و محیطی و جلوگیری از بروز روابط ناخواسته و یا از بین رفتن حریم‌ها ایجاد شود. به بیانی میان خلوت و اجتماع‌پذیری

فضاها توازن و تعادلی وجود ندارد و به این دو مقوله مهم در طراحی این فضاها توجه نشده است.



منبع: نگارنده

هویت

از دیگر وظایف فضای میانی می‌توان به نقش این فضا در هویت‌مندی ساکنان خانه اشاره کرد. این فضاها به عنوان رابط بین ساختمان و اطراف آن عمل می‌کنند، از این رو به نظر می‌رسد که این فضا هم متعلق به حیطة عمومی و هم حیطة خصوصی باشد. این فضا بخشی از خانه ب و در عین حال بخشی از فضای عمومی آن طرف دیوارهای محوطه نیز است (نیلاندر، ۱۳۹۰: ۱۷۲). می‌توان چنین گفت که ارتباط مستقیمی میان حس هویت به مکان و تعریف صحیح عرصه‌ها وجود دارد. به عبارتی ساماندهی محیط زندگی با تعریف روشن عرصه‌های خصوصی و عمومی و ایجاد سلسله‌مراتب فضایی میسر می‌شود و عرصه‌های تعریف‌شده زندگی نیز احساس تعلق به محیط را افزایش می‌دهد و به محیط‌های مسکونی هویت می‌بخشد (عینی فر، ۱۳۹۰: ۱۷). بر خلاف آنچه بیان شد در محیط‌های مسکونی امروزی از میان رفتن سلسله‌مراتب فضایی موجب کاهش حس تعلق به محیط در ساکنین شده است. در صورتی که در محلات سنتی خاطره‌انگیزی، حس تعلق و هویت به واسطه تعریف صحیح عرصه‌ها وجود داشته است.

مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که مفاهیم انسانی - محیطی چون حریمیت، هویت، امنیت، تعلق، قلمرو و تعامل اجتماعی متأثر از چگونگی تعریف فضای میانی در محیط‌های مسکونی است و ارتباط مستقیمی با آن دارد. نمودار زیر این ارتباط را به صورت مقایسه میان دو گونه مسکن سنتی و معاصر نشان می‌دهد.

تصویر ۱۱: مقایسه نقش فضای میانی در مسکن سنتی و معاصر



مأخذ: نگارنده

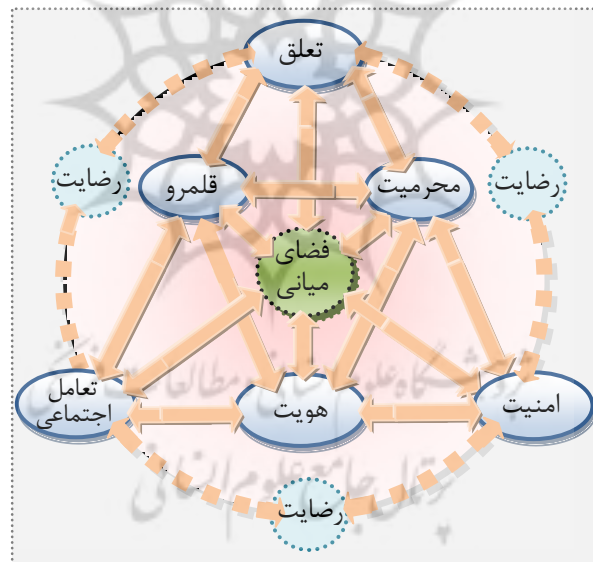
نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد نگرش به فضای میانی در دیدگاه سنتی و معاصر شکل‌دهنده بافت خانه‌های مسکونی تفاوت بسیاری داشته است. در دیدگاه سنتی اصل تعریف فضای میانی در شکل‌گیری بافت محله تا خانه مورد توجه قرار گرفته است و این امر

به وضوح در طراحی سلسله‌مراتبی شهرها و خانه‌های سنتی ایران قابل مشاهده است. در خانه‌های سنتی ارتباط از بیرون به درون و بالعکس با سلسله‌مراتبی که به واسطه فضاهای میانی شکل می‌گیرد، به تدریج اتفاق می‌افتد در صورتی که در اکثر خانه‌های معاصر با حذف فضای میانی این رویداد و مواجه فضای درون با بیرون بدون واسطه روی می‌دهد. به بیانی در دوره معاصر، اغلب جداسازی شدیدی میان فضای درون و بیرون در مسکن دیده می‌شود. از این رو و به دلیل نبود سلسله‌مراتب میان عمومی و خصوصی، ارتباطات اجتماعی ضعیف شده، فضاهای تک عملکردی ظهور یافته و همچنین این مسئله به از دست رفتن امنیت و از میان رفتن ترس از ارتکاب به جرم منجر شده است.

مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که فضای میانی با مفاهیم و عوامل انسانی- محیطی همچون محریمیت، تعلق، قلمرو، امنیت، سلسله‌مراتب و تعامل اجتماعی مرتبط است. نحوه تعریف فضای میانی بر چگونگی تحقق یافتن مفاهیم فوق تأثیر داشته و ارتباط مستقیمی با میزان رضایتمندی ساکنین از محیط‌های مسکونی دارد.

تصویر ۱۲: ارتباط فضای میانی با مفاهیم محیطی- انسانی



منبع: نگارنده

با توجه به آنچه بیان شد، فضای میانی به امنیت محیط مسکونی افزوده، حس قلمرو و حس تعلق ساکنین را تقویت نموده و قادر است در عین ایجاد خلوت و محریمیت فضایی، زمینه‌های بروز تعامل اجتماعی میان ساکنین را نیز ایجاد کند، لذا باید در خانه‌های معاصر با تجدید دیدگاه و تعریف صحیح فضاهای میانی، فضاهایی جهت انتقال از عرصه بیرونی به درونی در نظر گرفته شود تا بدین‌وسیله علاوه بر ایجاد سلسله‌مراتب فضایی، تداوم و

پیوستگی میان فضاها، از تداخل قلمروها و آشفتگی جلوگیری و بدین‌وسیله تداوم فرهنگی، کالبدی و اجتماعی میان درون با محیط بیرونی ایجاد شود.

لازم به ذکر است که با توجه به اهمیت فضای میانی، در کشورهای مختلف جهت طراحی روابط بیرونی و درونی فضاها، مسکونی توصیه‌ها و ضوابطی برای طراحی این فضا وجود دارد. از آنجا که فضای میانی نقشی کلیدی در وجود یا عدم وجود بحران در معماری و شهرسازی کشور ما خواهد داشت لذا اهمیت وجود این ضوابط در ایران نیز ضروری است.



منابع

- الکساندر، کریستوفر (۱۳۷۶). «عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی»، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.
- بحرینی، حسین (۱۳۷۸). «مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن»، هنرهای زیبا، شماره ۶، دانشگاه تهران.
- بیلان اصل، لیدا (۱۳۹۰). «نقش فضای بینابین در هویت بخشی به گستره فضایی بافت‌های تاریخی ایران»، هویت شهر، شماره ۵۹.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶). «مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری»، کتاب دوم، تهران: انتشارات شهیدی.
- توسلی، محمود (۱۳۷۶). *اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی ایرانی*، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- حائری، محمدرضا (۱۳۸۷). «خانه فرهنگ طبیعت، مرکز، تهران: مطالعات، تحقیقات شهرسازی و معماری».
- دانشگر، گلرخ (۱۳۹۰). «تحلیل اجتماع‌پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان‌ساخت»، هنرهای زیبا، شماره ۴۵.
- طیبیان، منوچهر و همکاران (۱۳۹۰). «بازتاب سلسله‌مراتب در شهرهای ایرانی - اسلامی»، *آرمان شهر*، شماره ۷.
- قاسمی اصفهانی، مرورید (۱۳۸۳). *اهل کجا هستیم*، تهران: انتشارات روزنه.
- گل، یان (۱۳۸۷). *زندگی در فضای میان ساختمان‌ها*، ترجمه شیما شصتی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاه.
- لنگ، جان (۱۳۸۸). *آفرینش نظریه‌های معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)*، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مدنی پور، علی (۱۳۸۷). *فضاهای عمومی و خصوصی شهر*، ترجمه فرشاد نوریان، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- میرشاهزاده، شروین (۱۳۹۰). «نقش فضای مرزی - پیوندی در فرایند آفرینش معنا»، هویت شهر، شماره نهم.
- نیلاندر، اولا (۱۳۹۰). «معماری خانه»، ترجمه محمد صادق فلاحت، زنجان: انتشارات دانشگاه زنجان.
- Alexander, C. (1964). *A City is not a Tree*.
- Bentley, I. (1985). *Responsive Environments: A manual for designers*. Routledge.
- Cooper, M, Clare and Wendy S (1986). *Housing as if People Mattered*. Berkeley: University of California press.
- Gehl, J. (1996). *Life between Buildings. Copenhagen*. Denmark: The Danish Architectural Press.
- Grosz, E. (2001). *Architecture from the Outside: Essays on Virtual and Real Space*, Cambridge Mass: MIT Press.
- Habraken, N. (1998). *The Structure of the Ordinary: form and Control in the Built Environment*. Cambridge Mass: MIT Press
- Hajer, M. & Reijndorp, A (2001). *In Search of New Public Domain*. Rotterdam: NAI.
- Hertzberger, H. (1991). *Lessons for Students in Architecture*. Trans. Ina Rike.
- Newman, O. (1972). *Defensible Spaces*. Macmillan Publishing Co, Inc.

- Nooraddin, H. (1996). *Al-fina': A Study of "in Between" Spaces Along Streets as an Urban Design Concept in Islamic Cities of the Middle East with a Case Study in Cairo*. Department of Town and Regional Planning, Faculty of Architecture, NTNU.
- Taylor, R. B. & Brower, S. (1985). Home and Near-Home Territories. In *Home Environments* (pp. 183-212). Springer US.
- Włodarczyk, D. (2005). *Structural Analysis of Urban Space in Residential Areas*. Methodologies in Housing Research, Urban International Press, Newcastle upon Tyne, 173-187.
- Zeisel, John and Mary E. Griffin (1975). *Charlesview Housing: A Diagnostic Evaluation*, Architecture Research Office, Graduate School of Design, Harvard University





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی